

روابط بین الملل مواجهیم. در واقع یک سمت رابطه بین دولت‌ها بر اساس رقابت امنیتی است؛ همان چیزی که در روابط بین الملل سنتی هم بوده است. الان هم هست، منهای اینکه قطب بندی در آن نیست؛ یعنی در این سمت آمریکا، روسیه، چین و تا حدودی اروپا وجود دارند که این‌ها بر اساس توانایی اقتصادی شان برای رسیدن به اهداف رقابت دارند. این یک لایه کیک است، ولی لایه‌های دیگری هم وجود دارد. به طور مشخص در عرصه اقتصاد، ما از اقتصاد بین الملل عبور کرده‌ایم و وارد وضعیتی شده‌ایم که بهترین تعبیر برای آن، «اقتصاد جهانی» است. در هیچ جای دنیا تولید ملی، تقریباً دیگر وجود خارجی ندارد و ما با زنجیره ارزش مواجهیم؛ مثلاً محصولات کمپانی تویوتا در شصت کشور دنیا همچنان تولید می‌شود. در حال حاضر، در عرصه جهانی سرمایه یک پدیده جهانی است، نمی‌شود گفت که این سرمایه صرفاً متعلق به آمریکا، چین یا کره جنوبی است، بلکه این‌ها در بازارهای بورس و سیستم‌های بانکی که ماهیت جهانی دارند، در گردش‌اند و دولت‌ها قطعاً در آن مؤثرند؛ به خصوص دولت‌هایی که حضور بیشتری دارند، ولی ماهیت این پدیده‌ها از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و دیگر به طور کامل دست این یا آن دولت نیست. همچنین در عرصه هویت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز ما با شبکه‌های جهانی روبه‌رویم؛ یعنی شرایط کنشگری در روابط بین الملل هم تغییر کرده است. بسیاری از مردم جهان در درون شبکه‌های اجتماعی، هویت‌های نوین و نظام‌های معنایی جدید پیدا می‌کنند. آن‌ها پدیده‌ها و هویت‌های اجتماعی خود را از بند جغرافیای دولت‌ملت‌ها رها کرده‌اند و انسان‌ها سطح و نوع دیگری

